


"The right to have an interpreter" in judicial proceedings and its basic jurisprudential guarantees

1-Seyyed Mohsen Ghaemi Khargh 2-Ardovan Arzhang 3- Somayyeh Aghaenejad

1. Department of Human Rights and Environment, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: m.ghaemi313@sbu.ac.ir. <https://orcid.org/0009-0000-5130-538X>
2. Department Fiqh and Islamic Law Group, Faculty of Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran. Email: arzhang@yu.ac.ir. <https://orcid.org/0000-0002-3799-610X>
3. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Ayatollah Haeri Meybod University, Yazd, Iran, Email: aghai.somayeh@yahoo.com. <https://orcid.org/1811-0004-0009-4951>

Article Info	ABSTRACT
New Roman 9)	<p>The presence of a translator in judicial proceedings is necessary when the parties to the dispute need it. This importance has been paid attention to in the form of the right to have a translator in international documents, domestic laws and Imami jurisprudence. However, merely paying attention to this right without considering its guarantees, including an independent criminal guarantee for the translator, does not ensure the rights of the litigants and the goal of competent judicial governance. Based on the hypothesis of this article, it seems that Imamiyyah jurisprudence has taken into account all of the above aspects (including the recognition of the right to have a translator and the civil and criminal guarantee resulting from incorrect translation in order to protect the rights of litigants with disabilities or language alien). This research has been written using a descriptive-analytical method and based on library studies to analyze the right to have a translator and guarantee it by examining the proofs of the translator's responsibility and considering the optimal criminal responsibility in Imamiyyah jurisprudence. Considering the silence of Iran's criminal laws, this article, along with the jurisprudential analysis of the translation and the explanation of the cracks of criminal responsibility in Imami jurisprudence, has suggested the necessity of predicting it in domestic laws.</p>
Article history:	
Received	
Received in revised form	
Accepted	
Published online	
Keywords:	
Word, translation	
Word, right to have an interpreter	
Word, , procedural rights	
Word. fair trial	
Cite this article: Ghaemi-Kharagh, Seyyed Mohsen; Arzhang, Ardavan; Aghaei-Nejad, Somayeh (2023). "The Right to Have an Interpreter" in Proceedings and Its Jurisprudential Guarantees, 2 (4), 20-1 . DOI: http://doi.org/ : https://orcid.org/ JORR-202408-1009499 (R1)	
	
© The Author(s). DOI: http://doi.org/ : https://orcid.org/ JORR-202408-1009499 (R1)	Publisher: University of Tehran Press.

«حق بر داشتن مترجم» در دادرسی‌ها و تضمینات فقه پایه‌ی آن

۱- سید محسن قائمی خرق ۲- اردوان ارژنگ ۳- سمیه آقایی نژاد

گروه حقوق بشر و محیط زیست، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: m.ghaemi313@sbu.ac.ir
. <https://orcid.org/0009-0000-5130-538X>

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الاهیات، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. رایانامه: arzhang@yu.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-3799-610X>

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله حائری میبد، یزد، ایران، رایانامه: aghai.somayeh@yahoo.com
<https://orcid.org/1811-0004-0009-4951>

چکیده

حضور مترجم در رسیدگی‌های قضایی به هنگام نیاز طرف‌های دعوا امری بایسته است. به این مهم در قالب حق برخورداری از مترجم در اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی و فقه امامیه توجه شده است. اما صرف توجه به این حق بدون در نظر گرفتن تضمینات آن، از جمله ضمان کیفری مستقل برای مترجم، حقوق طرفین دعوا و هدف حکمرانی قضایی شایسته را تامین نمی‌نماید. براساس فرضیه این نوشتار، به نظر می‌رسد فقه امامیه، مجموع ابعاد فوق (اعم از شناسایی حق بر داشتن مترجم و ضمان مدنی و کیفری ناشی از ترجمه نادرست به منظور حمایت از حق اصحاب دعوی دارای معلولیت یا دارای زبان بیگانه) را مدنظر قرار داده است. این جستار به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای نگاشته شده به واکاوی حق داشتن مترجم و تضمین آن از رهگذر بررسی ادله مسئولیت مترجم و در نظر انگاشتن مسئولیت مطلوب کیفری در فقه امامیه پرداخته است. با توجه به سکوت قوانین کیفری ایران، این نوشته، ضمن تحلیل فقهی ترجمه و بیان شقوق مسئولیت کیفری در فقه امامیه، لزوم پیش‌بینی آن در حقوق داخلی را پیشنهاد داده است.

کلیدواژگان: ترجمه، حق بر داشتن مترجم، حقوق دادرسی، دادرسی عادلانه.

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار: ۲۵

استناد: قائمی خرق، سید محسن؛ ارژنگ، اردوان؛ آقایی نژاد، سمیه (۱۴۰۳). «حق بر داشتن مترجم» در دادرسی‌ها و تضمینات فقه پایه‌ی آن، ۲ (۴)، ۱-۲۰.

DOI: <https://orcid.org/JORR-202408-1009499> (R1)



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/> <https://orcid.org/JORR-202408-1009499> (R1)

۱. مقدمه

«حق بر داشتن مترجم» در پیوست با تضمین حق بر دادرسی عادلانه، بایسته‌ای است که با شکل‌گیری دولت‌های مدرن و تحولات حقوق کیفری، مهمتر و ضروری‌تر شده است. نقض آن، رویه دادرسی عادلانه - بویژه آنگاه که هر کدام از طرفین، قادر به فهم زبان دادرسی نباشند و یا لال و ناشنوا باشند - را خدشه‌دار می‌سازد. همان میزان که مترجم می‌تواند با ترجمه صحیح و مطابق واقع به دادرسی عدل‌مبنا مدد رساند، عدم رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای ترجمه و بیان اظهارات خلاف واقع، موجب نفی حقوق طرفین و نقض اصول دادرسی عادلانه می‌شود. از همین رو توجه به تضمینات حقوقی در کنار شناسایی اصل حق بر داشتن مترجم امری ضروری و لازم می‌نماید.

بنابراین، مسأله اصلی این است که در فقه امامیه، چه تضمیناتی برای حق داشتن مترجم پیش‌بینی شده است.^۱

نسبت به پیشینه تحقیق نیز تاکنون نوشتاری فقهی نسبت به ماهیت ترجمه و حق بر داشتن مترجم و تضمینات آن نوشته نشده است و تنها اثر نگاشته شده به زبان فارسی (پیری، ۱۴۰۲، ۱۲۶-۹۳) نیز فقط به حق بر ترجمه در حالت تنوع زبانی و در حالت دادرسی های کیفری بین‌المللی پرداخته و به رویکرد حقوق داخلی، فقهی و مبانی و تضمینات حق بر ترجمه و نیز نگاهی عام‌الشمول در وضعیت افراد دارای معلولیت بی توجه مانده است. اهمیت و فایده این نوشتار برای نظام حقوقی ایران، از آن‌روست که این نظام حقوقی دارای ضعف و موارد سکوت است و طبق اصل ۱۶۷، بایستی با رجوع به منابع معتبر فقهی تحلیل شود. به عنوان مثال، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، صراحتاً در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ بازپرس را مکلف به تعیین مترجم رسمی یا مورد وثوق برای تمامی طرفهای رسیدگی کیفری اعم از متهم، بزه‌دیده، شاهد و... در طول مدت تحقیقات مقدماتی کرده است. البته مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون تنها ناظر به تحقیقات بازپرس است و شامل تحقیقات ضابط دادگستری نمی‌شود و قانون، به برخورداری شخص مظنون تحت نظر ضابط دادگستری از چنین حقی، حتی در زمان تفهیم اتهام تصریح ندارد. مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون مزبور نیز تعیین مترجم در دادرسی کیفری را (برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که قادر به تکلم به زبان فارسی نباشند یا ناشنوا بوده و یا قدرت تکلم نداشته باشند) در موارد لزوم تکلیف دادگاه دانسته است؛ ولی کیفیت این انتخاب نیازمند توجه به ملاحظات فقهی است که در این نوشتار بیان خواهد شد.

همچنین، طبق بند «و» ماده ۶ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم مصوب ۱۳۱۶ در صورتی که ترجمه و تصدیق مترجم خلاف واقع باشد، مجازات انتظامی (محرومیت از مترجمی رسمی) در نظر گرفته شده و طبق این مقرر، مجازات مذکور در تبصره «ماده ۴۶ آئین نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم مصوب ۱۳۱۶»، در فرض عمدی بودن عمل مترجم، تعقیب مطابق با ماده ۲۸ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷، قابل تسری به مترجم است.

ولی به نظر می‌رسد، مجازات بیان شده، فارغ از شناسایی ماهیت فقهی عمل ترجمه و رویکردهای تطبیقی به عمل مترجم است. افزون بر اینکه، عمدتاً وجه انتظامی و حرفه‌ای در آنها لحاظ شده است و نیز به طور دقیق (و برخلاف حقوق موضوعه) نمی‌توان «مترجم» را «کارشناس» به شمار آورد و مجازات کارشناس را به مترجم تعمیم داد (گرچه ترجمه دارای وجهی از کارشناسی است). این مطالب حاکی از اهمیت و ضرورت این نوشتار فاقد پیشینه تحقیق است.

در مقاله پیش‌رو، ابتدا به جایگاه حق بر داشتن مترجم در ادبیات حقوق بشر پرداخته شده و پس از آن، ماهیت فقهی ترجمه و تضمینات کیفری و مدنی مختلف بر پایه آن طرح می‌شود.

۱. حق بر داشتن مترجم در ادبیات حقوق بشر

براساس شق الف بند یک ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر متهم به جرم کیفری یا طرف دعوا در دادرسی‌های اداری و مدنی اگر در صحبت کردن، فهمیدن، خواندن زبان دادگاه مشکل داشته باشد، حق دارد از مساعدت مترجم رایگان واجد صلاحیت و ترجمه‌ای منطبق با شروط انصاف برخوردار شود و همچنین حق دارد اسناد و مدارک او

ترجمه شود (در این میان، این دیدگاه وجود دارد که زبانی که متهم کاملاً درک کند، لزوماً زبان مادری او نیست) (صابر، ۱۳۸۸، ۲۵۲).

همین مقرر در ماده ۶ (بند ۳) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز تصریح شده است.

حق برخورداری از مترجم در تمامی مراحل دادرسی کیفری اعمال می‌شود؛ از جمله در طول بازجویی‌های پلیس و تحقیقات اولیه. مترجم صرف نظر از نتیجه محاکمه باید به صورت رایگان فراهم شود (Eur. Court. H.R., Luedicke, Belkacem and koc v. Germany, 28 November 1987, A.29, & 46. In this Eur. Court. توسعه داده شده است. البته این وظیفه محدود به اسنادی است که متهمان باید برای دادرسی عادلانه آن را درک کنند (Eur. Court. صحبت می‌کند یا می‌فهمد اما ترجیح می‌دهد زبان دیگری را صحبت کند، مقامات ملزم نیستند، برای متهم، مترجم رایگان فراهم کنند (H.R., Kamasinski v. Austria, 19 December 1989: A. 168 & 74). البته اگر متهم زبان دادگاه را به طور مناسبی (طه، ۱۳۸۶، ۲۰۵). حق فوق، شرط ضروری تحقق حقوق دیگری در فرآیند دادرسی نیز به شمار می‌آید؛ از جمله حقوق زیر:

یک: حق فوری اطلاع متهم از اتهام وارده و دلایل آن (حق تفهیم اتهام) (مندرج در جزء الف، بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۹ همین سند، نیز بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند ۴ ماده ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر)، به معنای اعلام رسمی رفتار یا رفتارهای مجرمانه به متهم، اوضاع و احوال زمان ارتکاب و شواهد و دلایل علیه متهم از سوی بازپرس، مقام قضایی و یا ضابط دادگستری (سارنوالی) به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم، برای او قابل درک و فهم باشد.

دو: حق دفاع و داشتن وکیل مدافع (مندرج در قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)

با نگاهی به اسناد حقوق بشری (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) به نظر می‌رسد، «حق برخورداری از مترجم» در زمره حق‌های رویه‌ای قرار دارد؛ به این معنا که این حق و مقسم آن از این جهت واجد ارزش هستند که برای تحقق و اعمال حق‌های ماهوی ضروری هستند (Garner, 2004, 25) و صرفاً جهت محاکمه عادلانه و عدم تعرض به فرض بی‌گناهی پیش‌بینی شده‌اند. از منظری دیگر، این حق را می‌توان در معنای «ادعا» در تقسیم اربعه هوفلد^{۹۹} از حق (حق در معنای ادعا، آزادی، قدرت و مصونیت) تحلیل کرد. بر این اساس، حق بر داشتن مترجم در معنای ادعا، پیوندی وثیق با تکلیف متقابل دارد. به زبان دقیق‌تر می‌توان گفت لازمه حق ادعا، وجود وظیفه در طرف مقابل است (Simmon, 1994, 92^{۱۰۰}). از جمله وظایفی که بر دوش دولت در اثر وجهه «ایجابی این حق» قرار می‌گیرد، لزوم «اجرا» و «تضمین» این حق از رهگذر تنظیم مسئولیت مدنی در قبال خطای در ترجمه و نیز کیفر-گذاری در برابر عمل ترجمه خواهد بود.

۲. ماهیت فقهی ترجمه

ترجمه از حیث معنایی، در دو رویکرد مختلف به «اخبار» و «تبدیل و تفسیر» فهم شده است. در دسته نخست، برخی مانند جوهری (جوهری، ۱۴۰۷، ۱، ۶۲)، ابن منظور (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲، ۶۶) و دیگر معجم‌نویسان، ترجمه را به «خبر دادن به قاضی به معنای نهفته در لسان مدعی [ناآشنا به زبان قاضی]» (الدسوقی، ۱۴۲۳، ۱۷، ۳۶) معنا کرده‌اند. در مقابل، برخی دیگر، ترجمه را از قبیل «تبدیل زبانی به زبان دیگر نزد قاضی» (علیش، ۱۴۰۹، ۱۷، ۳۵۶)، «تفسیر زبانی به زبان دیگر» (الدسوقی، ۱۴۲۳، ۱۰، ۲۲۸؛ جمل، بی‌تا، ۱۰، ۶۵۷؛ قاری، ۱۴۲۲، ۹، ۳۷۴۶؛ بستانی، بی‌تا، ۱۷۳؛ حجاوی، ۱۴۱۸، ۲۲، ۳۰۹؛ Newmark, 1988: 5) معنا کرده‌اند.^{۱۰۱}

افزون بر رویکرد معناشناسانه فوق، شیخ طوسی می‌گوید: «ترجمه در نزد عده‌ای، ماهیت شهادت دارد و از این رو در حجیت آن، نیازمند لحاظ عدد، عدالت، حریت و الفاظ لازم در شهادت است». این نظریه را برخی از فقها از جمله شیخ طوسی نظریه احوط در فقه امامیه دانسته‌اند و دلیل آن را نیز اجماع بر عمل به ترجمه دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ۸، ۱۰۳). نظر برخی دیگر آن است که ماهیت ترجمه، «خبر»

است و شهادت محسوب نمی‌شود و از این رو در قبول آن، وجود یک نفر کفایت می‌کند. دلیل این نظریه آن است که در قبول ترجمه، لفظ شهادت شرط نیست (گلپایگانی، ۱۴۰۵، ۲۷۱).

نتیجه پذیرش دیدگاه اول، تفاوت در حداقل تعداد شهود است. به این معنا که اگر ترجمه، ناظر به امور مالی یا در حکم مال باشد، با شهادت دو شاهد عادل و یا یک شاهد مرد و دو شاهد زن ثابت خواهد شد و اگر از مواردی باشد که جز با شهادت دو مرد ثابت نمی‌شود مانند نکاح، نسب و عتق، تنها با حضور دو مترجم عادل اثبات پذیر است. همچنین اگر حد زنا باشد، اصل زنا تنها با حضور چهار مترجم عادل ثابت خواهد شد. در این خصوص برخی دیگر گفته‌اند با دو مترجم عادل ثابت خواهد شد. چراکه اقرار محسوب می‌شود. برخی دیگر با حضور چهار نفر، زنا را ثابت می‌دانند. زیرا چنین امری اقرار به فعل است و با ترجمه زمانی امری ثابت خواهد شد که شرایط زمانی که به طور عادی آن فعل ثابت می‌شود، ثابت شود؛ مانند اقرار به قتل» (طوسی، ۱۳۸۷، ۸، ۱۰۳).

در نظر گروهی دیگر، ترجمه تنها با شهادت دو شاهد عادل پذیرفته می‌شود. چراکه ترجمه، شهادت تلقی می‌شود (زرکشی، ۱۴۲۳، ۳، ۳۸۱). شافعی نیز بر این نظر است (الماوردی، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ۱۷۷). برخی همچون ابو حنیفه و ابویوسف بر این عقیده‌اند که در قبول ترجمه، شهادت واحد کفایت می‌کند. چراکه در آن نیازی به لفظ شهادت نیست و خبر محسوب می‌شود (دردیر، بی تا، ۲، ۴۹۷). ابن منذر نیز در حدیث زید بن ثابت، گفته است: «رسول خدا (ص)، زید را امر نمود که زبان یهود را فراگیرد. زید می‌گوید: که وقتی حضرت در صدد نامه‌ای برای یهود بود، برای ایشان می‌نوشتم و وقتی آنان نامه‌ای می‌فرستادند، برای ایشان می‌خواندم». افزون بر این از آنجا که این مسأله از اموری است که نیازمند لفظ شهادت نیست، بنابراین در آن فرد واحد کفایت می‌کند. مانند اخبار از دیون (صعدی، ۱۴۲۲، ۶۴، ۲۴۴).

در میان فقهای شیعه، علامه حلی نیز در قواعد می‌نویسد: «ضرورت دارد مترجم دو نفر عادل باشد» (حلی، ۱۴۱۳، ۳، ۴۲۸). فاضل هندی در شرح قواعد چنین می‌نویسد: «زیرا قول آن دو نفر، شهادت محسوب می‌شود و از این رو دو نفر کفایت می‌کند، هر چند که موضوع ترجمه آنها زنا باشد و وجود یک مرد و دو زن کفایت نمی‌کند، هر چند که در موضوع ترجمه، این حالت کفایت داشته باشد» (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۸، ۳۱۷).

بنابراین چند دیدگاه از مجموع عبارات فقها برداشت می‌شود:

دیدگاه نخست: ترجمه، روایت و اخبار است و در آن شرایط روایت و اخبار جاری و ساری است. از جمله آنکه قول شخص واحد در آن کفایت می‌کند (بنابر شرطیت عدالت شخص و یا عدم شرطیت آن بنابر نظراتی که در این خصوص وجود دارد) و لفظ شهادت نیز در آن لازم نیست. بنابراین نگرش در صورتی ترجمه یک نفر کفایت می‌کند که حجیت خبر واحد، فراتر از شمول حجیت در احکام کلی، در موضوعات خارجی نیز پذیرفته شود. چراکه بنا بر برخی انگاره‌ها، مقتضای عمومیت حجیت خبر، حجیت خبر واحد در همه موضوعات است ولی از آنجایی که دلیل خاص بر شرطیت تعدد در باب منازعات و خصومات نزد حاکم وجود دارد، از این رو ترجمه از عموم حجیت خبر خارج می‌شود. از ادله دیگر این نظریه، که در نهایت به ماهیت اخباری بودن ترجمه منتهی می‌شود، تفاوت‌های میان خبر و ترجمه است. از جمله اینکه خبر - برخلاف ترجمه - لزوماً مسبوق به دعوا نیست. گویی تفاوت یکی در این است که با وجود ترجمه، حکم مترتب می‌شود و با نبودش، حکم وجود نمی‌یابد. دیگر اینکه اگر ماهیت دلیلی چنین باشد که صرف حکایت آن، حجیت داشته باشد، ترجمه، اخبار تلقی می‌شود. اما اگر اطلاع فرد در اعتبار حکایت از واقع، مدخلیت داشته باشد، شهادت تلقی می‌شود (روحانی، ۱۴۱۲، ۲۵، ۱۶۵). البته به تفاوت نخست، برخی از اندیشمندان فقه، به دیده تردید نگاه کرده‌اند و گفته‌اند که شهادت لزوماً در امر خصومت نیست؛ مانند شهادت به رویت هلال و خمیرت مایع خاص (عراقی، ۱۴۲۱، ۵۶).

با توجه به این تغایر، در صورت تردید در ماهیت ترجمه، حکم هیچ یک از احتمالات در مورد ترجمه جاری نمی‌شود، مگر آنکه گفته شود موضوع حجیت در باب شهادت، مفهوم شهادت است و نیز اینکه مفهوم روایت، موضوع حجیت نیست بلکه موضوع، خبر عادل

است. با این نگاه، نسبت میان اخبار و شهادت، عموم و خصوص مطلق خواهد بود. در نتیجه، هر خبر عادلانه حجت خواهد بود بدون اینکه تعدد در آن شرط باشد، مگر در خصوص شهادت که مشروط به تعدد است. حال در صورت شک در ماهیت مترجم و عمل ترجمه، این شک از قبیل شبهه مفهومی و شک در مفهوم مخصص لفظی مجمل خواهد بود. زیرا دلیل شرع، تنها دلالت بر شرطیت تعدد در آن چیزی است که قاضی «به استناد آن» حکم می‌کند و دلیلی بر شرط بودن تعدد در هر چیزی که از باب شهادت باشد و یا در قضاوت قاضی دخیل باشد، وجود ندارد. این دقت، ولو آنکه محتمل دانسته شود، در جایی که اطلاقی موجود نباشد، مخصص مجمل مفهومی خواهد بود و تمسک به عموم حجیت خبر واحد، از قبیل تمسک به عام در شبهه مفهومی خواهد بود که در اینجا به دلیل منفصل بودن مخصص، جایز است. بنابراین باید ماهیت ترجمه را اخبار و کارشناسی دانست.

دیدگاه دوم: ترجمه، شهادت بر دعوای ادعا شده محسوب می‌شود. خواه متعلق به اموال و حقوق مالی باشد یا زنا یا غیر اینها. بنابراین هر آنچه در شهادت بر این امور از جمله کفایت شاهد واحد یا لزوم چهار شاهد یا شرایط دیگر، لازم باشد، در ترجمه این موضوعات نیز شرط است. شهید ثانی، از این جهت، ترجمه را از قبیل شهادت می‌داند که «مترجم قولی را برای قاضی نقل می‌کند که قاضی از آن اطلاعی ندارد و این همان معنای شهادت است، بلکه مصداقی از آن است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۳، ۳۹). صاحب جواهر، عرفا شهادت را غیر از خبر و این دو را از یکدیگر متباین مفهومی می‌داند. ثانیاً، عمده دلیل حجیت خبر واحد، سیره (دلیل لبی) بوده و قدر متیقن از آن، غیر ترجمه است (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۰، ۱۰۹). افزون بر این نمی‌توان با تمسک به آیه نباء، وحدت مترجم و شاهد نبودن مترجم را برداشت کرد. زیرا منافاتی بین مفاد آیه (عدم وجوب تبیین هنگام خبر عادل) با تعدد مخبر بنا بر دلیل خاص دیگری، وجود ندارد.

برخی بر ماهیت شهادت گونه و لزوم تعدد به روایاتی از جمله موثقه مسعدة بن صدقة استناد کرده‌اند: «هر چیزی بر تو حلال است تا زمانی که علم به حرمت آن بیایی... و جملگی اشیا بر این حکم هستند تا اینکه بر تو خلاف این وضعیت آشکار شود و یا آنکه بینه‌ای برخلاف آن اقامه شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۸۹). گویی موثقه بر عدم اثبات هر موضوعی دلالت دارد، مگر آنکه، منحصراً علم یا بینه به خلاف آن یافت شود. در موضوع مورد بحث نیز، قبل از ترجمه، دو شاهد نزد حاکم اقامه نشده است، بنابراین، حاکم بر اساس موازین جاری در موارد عدم قیام بینه حکم می‌کند. همچنین در مواردی که عادل واحد یا دو ثقه غیرعادل یا یک عادل و یک ثقه ترجمه کنند، اینجا نیز عدم قیام بینه محرز است. روایت دیگر از امام رضا⁷ در بیان علت اذان است که به این مینا نیز اشاره فرموده‌اند: «أصل الإيمان إنما هو الشهادتان؛ فجعل الأذان شهادتين شهادتين، كما جعل في سائر الحقوق شهادان»⁸ (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۲۳۷). براساس قسمت اخیر این روایت نیز، ثبوت هر حقی باید به واسطه دو شاهد باشد. از این رو اکتفا در ترجمه به مترجم واحد، خلاف نص خواهد بود. فرمایش رسول اکرم⁶ «إنما أفضى بينكم بالبينات و الايمان» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۲۳۸) نیز توقف اثبات موضوعات به بینه (در مورد تنازع در باب قضا) را می‌رساند و موجب انصراف ادله حجیت خبر واحد به غیر باب قضا می‌شود (مومن قمی، ۱۴۲۲، ۵۰).

البته دلیل انصراف، تنها در ادله لفظی جاری است و در بنای عملی عقلاً که عمده دلیل حجیت خبر واحد است، لفظی وجود ندارد که انصراف رخ دهد. همچنین به نظر می‌رسد ظاهر این احادیث، حصر نمودن امر «فصل خصومت» به بینه باشد. ولی دلالتی بر این ندارد که سایر امور مربوط به قضاوت مانند تعیین مدعی و منکر و یا رجوع به خبره و مترجم و غیر آن نیز باید بواسطه بینه و یا در قالب احکام بینه باشد.

دیدگاه سوم: ترجمه، شهادت بر اقراری است که در قالب تکلم یا نوشتار به زبان اجنبی مطرح شده است یا شهادت بر شهادت در قالب تکلم یا نوشتار به زبان اجنبی است. این قدامه نیز در تعلیل نظریه «ترجمه در حکم شهادت بر اقرار» می‌گوید: مترجم، آن چیزی را که بر

۱. «علی بن ابراهیم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله ع قال سمعته يقول كل شيء هو لك حلال حتى تعلم انه حرام بعينه ا فقدعه من قبل نفسك... و الأشياء كلها على هذا حتى يستبين لك غير ذلك أو تقوم به البيه».

حاکم مخفی است و آن را نمی‌فهمد برای او نقل می‌کند؛ چیزی که وجودش به دلیل عدم فهم قاضی، مانند عدم است. بنابراین ترجمه مترجم مانند نقل اقرار خارج از جلسه دادگاه برای حاکم است. از این‌رو، ترجمه شهادت بر اقرار محسوب می‌شود و باید شرایط آن رعایت شود. مثلاً در حد زنا، باید ۴ مرد عادل آزاد باشند و بنابر نظر دیگر، دو نفر کافی است (ابن‌قدامة، ۱۴۰۳، ۱۱، ۴۵۱).

بنابراین در این بیان از ماهیت ترجمه، هر آنچه در «شهادت بر شهادت» و «اقرار» معتبر است، باید رعایت شود. توضیح آنکه در فرض «شهادت بر اقرار»، ضروری است که مترجم بیش از یک نفر بوده و همه عادل باشند. ولی در فرضی که «شهادت بر شهادت» به زبان خارجی بیان شده است، هر آنچه در شهادت بر شهادت گفته می‌شود، رعایت می‌شود؛ از جمله آنکه اگر در شهادت بر شهادت، لفظ شهادت شرط باشد بایستی در ترجمه نیز لفظ شهادت ذکر شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳، ۱، ۳۶۰). از این‌رو در ترجمه شهود زنا که در آن تعداد شهود ۴ عادل است، به دو مترجم عادل اکتفا می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۰، ۱۰۶).

دیدگاه چهارم: دیدگاه دیگر بر اساس «تعریف لغوی ترجمه»، آن را تبدیل لفظ بیگانه‌ای که قاضی، معادل آن را نمی‌فهمد، دانسته و مبتنی بر آن، ترجمه را نه شهادت و نه کارشناسی می‌داند که صدق و کذب آن نیز بسته به حصول اطمینان به غلط یا صحیح بودن ترجمه است.^{۱۱۱} این دیدگاه حقیقت جایگاه مترجم را نظیر رجوع به کتب لغت یا اهل خبره در امور مختلف، امری مبتنی بر سیره عقلا قلمداد می‌کند که شارع، در آن طریقی ابتکاری ایجاد نکرده (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳، ۱، ۳۶۱) و مفهومی مستقل است که قانونگذار کیفری باید در خصوص آن، مجازاتی مستقل (تعزیر) تاسیس نماید. اما در خصوص رویکرد مختار در این نوشته، به نظر می‌رسد بایستی ماهیت ترجمه را متأثر از اثر مترتب بر آن تعریف کرد و یکسره، ماهیتی واحد برای آن در نظر نگرفت که تفصیل این نظر در قسمت چهارم نوشتار خواهد آمد.

۳. ادله تضمین «حق بر داشتن مترجم» و ملاک‌ها و مناط‌های مؤثر بر آن

در ذیل دلایل شناسایی حق بر داشتن مترجم مطرح شده و پس از آن نیز ملاک‌ها و مناط‌های مؤثر بر تضمین این حق بررسی خواهد شد.

۳-۱. ادله تضمین حق بر داشتن مترجم

برخورداری از حق بر داشتن مترجم، در مواردی، تنها ضامن مواجهه برابر با اطراف دعواست و حق بر داشتن مترجم وجه دیگری از اصول عدالت و «برابری سلاح‌ها» یا ابزارهای دفاع در فرایندهای کیفری است.^{۱۱۲} به عبارت دیگر، یکی از مقتضیات اصل کرامت انسانی، حق بهره‌مندی از «محاكمه عادلانه و منصفانه» است. از این‌رو حق‌های بشری مبتنی بر کرامت انسانی، اصولاً و علی‌القاعده باید تحقق یابد؛ از جمله حق دادخواهی نسبت به معلولان و اقلیت‌های زبانی که شرط تحقق آن «حق برخوردارگی از مترجم» است.

همچنین به پشتوانه کرامت و اقتضانات آن، می‌توان از طریق کیفرگذاری عمل ترجمه، «حق برخوردارگی از مترجم» را تضمین کرد. می‌توان همین اثر را از مبنای حمی (محدوده مورد حمایت شارع) انتظار داشت. در حقیقت، عدالت در حکمرانی قضایی و فرآیند دادرسی بدان حد از اهمیت است که شارع همه وقایع پیرامونی (از جمله عمل ترجمه) را چنان مورد حمایت‌های مختلف از جمله حمایت کیفری قرار می‌دهد تا عدالت محقق گردد. از این‌رو مسئولیت کیفری و انتظامی مترجم به منظور پاسداری از حق بر داشتن مترجم، امری در راستای کرامت و عدالت و قاعده حریم حمی خواهد بود.

از باب حرمت تکلیفی - وضعی قول زور، نیز آیات متعددی قابلیت تطبیق بر موضوع حاضر را دارند؛ از جمله: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»^{۱۱۳} (۳۰). همچنین «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^{۱۱۴} (الفرقان: ۷۲).

در تقریب استدلال به آیات فوق، برخی واژه‌شناسان، «زور» را به معنای «تمایل یافتن» دانسته و «قول زور» را به دلیل تمایل از مسیر راست به مسیر باطل به «قول کذب» معنا کرده‌اند (راغب، ۱۴۱۶، ۳۸۶). در پاره‌ای روایات، مراد از «قول زور»، شهادت به باطل دانسته شده است. (حر عاملی، ۱۴۱۰، ۷۶، ۲۳۹). البته شهادت به باطل یکی مصادیق این کلی (قول زور) است و به معنای انحصار مفهوم آیه در این

امور نیست. پیامبر گرامی اسلام کدر ضمن خطبه‌ای فرمود: ای مردم شهادت زور (به باطل) در ردیف شرک به خدا است، سپس این آیه را تلاوت فرمود: فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور. (حر عاملی، ۱۴۱۰، ۷۶، ۲۳۹). این حدیث به وسعت و گستردگی مفهوم آیه نیز اشاره دارد. برخی از مفسران بزرگ نیز این آیه را بر وجه فوق تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵، ۷، ۲۸۳). ظاهر آیه شریفه این است که هر دو قول شفاهی و کتبی در زمره «قول زور» قرار می‌گیرد. بی‌شک یکی از مصادیق قول زور، عدم مطابقت قول با واقع است (خواه زور در آیه شریفه «تمام الموضوع» باشد و یا «جزء الموضوع»). بنابراین می‌توان «ترجمه نادرست» را بر مبنای ظهور فعل امر اجتنبوا در وجوب اجتناب و ظهور نهی لایشهدون در تحریم، قابل کیفر دانست.

«قاعده لاضرر» نیز می‌تواند به عنوان یکی از مبانی سزادهی در فقه، بر تضمین حق بر داشتن مترجم منطبق شود. بر اساس این قاعده، می‌توان گفت که هدف حقوق کیفری از سزادهی، غیرمتدارک نگذاشتن صدمه وارد شده به دیگران (از جمله مدعی علیه، مدعی، محیط و مخاطب متأثر از ترجمه) است. البته در این جرم‌انگاری بایستی به «اصل ضرورت جرم‌انگاری» و نیز «لزوم احراز صدمه فاحش» توجه شود. بنابراین نمی‌توان در تراجم «دفع مفسده» و «جلب منفعت» به «جرم و کیفر» به عنوان گزینه‌ای مطلوب نگریست. سزادهی مترجم، افزون بر آنکه ضرر وارد شده به نظام قضایی و فرآیند دادرسی را تاحدی جبران می‌کند، بر فرض آنکه قاعده لاضرر را از حیث اثبات حکم ایجابی ناتوان بدانیم (نک: به: نراقی، ۱۴۱۷، ۵۰)، با عدم ورود دولت به سزادهی مترجم، ضرری ایجاد خواهد شد که به موجب حکم سلبی قاعده لاضرر باید نفی شود.

۲-۳. مناظرها و ملاک‌های موثر بر تضمین حق بر داشتن مترجم

البته در تحلیل مبتنی بر ملاک‌ها و مناظرات موثر به نظر می‌رسد بایستی در شناسایی مسئولیت کیفری، به تفاوت‌هایی توجه ویژه نمود که در قسمت چهارم این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است:

نخست؛ تفاوت بین «مترجم اسناد و مترجم کسانی که به طور کامل قدرت تکلم به زبان رسمی محاکم را ندارند» با «مترجم افراد معلول در محاکم».

دوم؛ تفاوت بین «وضعیتی که یکی از متداعیین و یا هر دو مترجمی را با خود همراه می‌آورند» و «حالتی که دادگاه، مترجم معرفی می‌نماید».

سوم؛ تفاوت بین «حالتی که ترجمه در صدور حکم مؤثر واقع شده» و «حالتی که ترجمه در حکم اثر نگذاشته و یا هنوز حکم بر مبنای ترجمه صادر نشده باشد».

چهارم؛ تفاوت بین «عمد» و «خطای» مترجم

پنجم؛ در این فرآیند، گاه مترجم آنچه را که به واسطه «اشاره، الفاظ، فعل یا تقریر یا ترک فعل غیر» به دست آورده است به قاضی منتقل می‌کند، «المترجم للقاضی». گاهی دیگر، وی موافق و فرمانبر قاضی و در پی تنفیذ و اجرای مراد قاضی به صورت نقل محض و بدون دخیل ساختن اجتهاد فردی است «المترجم عن القاضی» (مکی المالکی، ۱۴۱۵، ۴، ۱۲۸).

۴. تضمینات کیفری حق بر داشتن مترجم در فقه

در تحلیل تضمینات کیفری حق بر داشتن مترجم از منظر فقه کیفری، با توجه به پیوستگی تام میان «ماهیت فقهی ترجمه» و «مسئولیت کیفری ناشی از عمل ترجمه»، بایستی به انتخاب نظریه مختار دست زد. به نظر می‌رسد بتوان وجه جمع‌های گوناگونی میان دو نظریه مطرح در فقه شیعه (شهادت - اخبار) مطرح کرد. از جمله اینکه اگر موضوع ترجمه، امری عام و غیرمختص به فردی معین باشد، در قالب «روایت محض» قابل تحلیل بوده و آثار آن از جمله کفایت وحدت مترجم و نیز تحقق مسئولیت کیفری «کذب در اخبار» جاری خواهد

شد. اما در صورتی که مخبر^{عنه}، امری خاص و مختص به فرد معین یا قضیه مشخصی همراه با طلب ترفع و فصل اختلاف باشد، در این حالت، ترجمه وجهه «شهادت محض» دارد و «مسئولیت کیفری شاهد» با در نظر داشتن مناطات قسمت قبل، جریان خواهد یافت. وجه دوم آن است که نمی‌توان ماهیت شهادت را برای ترجمه - از آن حیث که صرفاً مدخلیتی در حکم قضا دارد - در نظر گرفت، مگر آنکه از اخبار بیان شده در متن مقاله، توقف ثبوت قضاوت در خصوص موردی به قیام بین، اصطیاد شود. در این موارد، ماهیت این قبیل ترجمه‌ها، شهادت بوده و برای مرتکب آن، مسئول کیفری شاهد در نظر گرفته می‌شود. همچنین «مشکلی در ثبوت بنای عقلا در شرطیت وجود دو عادل در مواردی که قضاوت و صدور حکم متوقف بر آن باشد، وجود ندارد» (مومن قمی، ۱۴۲۲، ۵۰؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳، ۱، ۱۹۲).

وجه سومی نیز به عنوان نظریه این نوشتار می‌توان طرح کرد و آن، اینکه مرجع را عرف قرار داد. بر این اساس نمی‌توان مطلقاً، ترجمه را از قبیل شهادت یا کارشناسی و اخبار دانست. بر همین پایه در صورتی که بر ترجمه، حکمی مترتب و اثبات شود، شهادت خواهد بود. ولی اگر منظوری غیر از این باشد، از قبیل اخبار خواهد بود؛ مانند ترجمه سوالی برای قاضی تا حکم آن را بازگو نماید. بنابراین در صورتی که عنوان «ترجمه» بر عنوان «شهادت» قابل انطباق باشد، به نظر می‌رسد در وضعیتی که مترجم، مستخدم دستگاه قضایی و یا فراخوانده دستگاه قضایی باشد، در فرض عمد در ترجمه زور (مزورانه)، مسئولیت بر عهده شخص وی خواهد بود. در این صورت، بنابر قاعده «تعزیر بما یراه الإمام رادعا» و «فلسفه بازدارندگی» (حلی، ۱۴۱۱، ۲۴۳)، حکومت اسلامی وی را تعزیر نموده و حکم صادر شده‌ی بر مبنای ترجمه باطل خواهد شد. همچنین در صورت امکان رجوع، محکوم^{علیه} (سابق) به محکوم^{له} (سابق) مراجعه می‌نماید و در غیر این صورت، مترجم، ضامن خواهد بود و در صورتی که مبنای صدور حکم قتل، جرح یا حد نیز ترجمه نادرست باشد، مترجم قصاص خواهد شد (مومن سبزواری، ۱۴۲۱، ۶۱۳).

اما در فرضی که مترجم حاذق و عالم، به صورت خطایی، ترجمه نادرست مبنای صدور حکم ارائه کرده باشد، دیه و غرامت از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. چه آنکه از باب خطای حکومت در خصوص مصالح تلقی می‌شود. در حقیقت، حاکم، وکیل مردم در تصرفات است و مسئولیت خطای وکیل (از جمله خطای وکلای وکیل) بر عهده موکل و در این خصوص بر عهده بیت‌المال خواهد بود. البته در صورتی که ترجمه خود متضمن جرمی جداگانه باشد، مسئولیت آن بر عهده مترجم خواهد بود (مثلاً تحقق قذف در ترجمه). در صورتی که مترجم افراد ناشنوا و یا بیگانه، انتخاب شده‌ی متهم یا مدعی باشد، در فرض عمد و به خطا کشاندن روند دادرسی، حکم صادر شده، نقض خواهد شد و در صورت اجرا شدن حکم، مسئولیت ناشی از اجرای حکم بر ذمه مترجم خواهد بود. افزون بر اینها امکان وضع تعزیر در حق این مترجمان وجود دارد. البته در خصوص مترجمان بنابر ماده ۱۱ آئین نامه اجرایی اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم مصوب ۱۳۱۶ (اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۸) مترجمان بایستی در حضور کمیسیون مندرج در ماده ۴ این قانون، به شرح زیر سوگند یاد کنند که: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که در امر ترجمه قلم و زبان خود را جز به راستی و حقیقت به کار نبرم و در سمت مترجمی رازدار و امین باشم». حسب این ماده به نظر می‌رسد گرچه در این قانون در خصوص نقض این سوگند و خطا در ترجمه مسئولیتی بیان نشده است ولی از باب نقض حلف و حث یمین بتوان مسئولیتی را برای مترجم در نظر گرفت. توضیح آنکه، با توجه به آیه شریفه «وَلَكِنْ يَأْخُذْكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ»، سوگند اینچنینی که همراه با قصد و شرایط صورت می‌پذیرد، در صورت عمل نشدن بدان، مورد مواخذة (یعنی گناه به شمار آمدن و تعلق کفاره) قرار گرفت (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ۵۶۹)، همچنانکه نقض این سوگند، بنابر برخی روایات که فرد را از دین خارج می‌کند (رازی، ۱۴۰۸، ج ۹، ۱۸۳)، می‌تواند صلاحیت مترجمی را از او سلب نماید (خاصه اینکه اگر ماهیت ترجمه از مواردی مانند شهادت باشد که عدالت در آن شرط می‌باشد).

در خصوص مترجمان آورده شده‌ی از سوی افراد، نیز به نظر می‌رسد بنابر تطبیق شهادت بر ترجمه و فلسفه تشهیر شهود فاسق در خصوص مترجمان، تشهیر «مترجمان زور»، به منظور سلب اعتماد عموم نسبت به این افراد، رای صواب خواهد بود.

۵. تضمینات قضایی و مدنی در قبال حق بر داشتن مترجم

البته فارغ از موضوع این نوشتار (تضمینات کیفری)، تضمینات دیگری در خصوص حق بر داشتن مترجم وجود دارد؛ از جمله «وجوب فوری» تدارک مترجم در «تمامی» مراحل دادرسی، نقض‌پذیری حکم قضایی مستند به ترجمه نادرست (در صورتی که اشتباه مترجم، از سوی دادگاه مؤثر شناخته شود) (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱، ۲۳۰)؛ اطلاق در شناسایی و اجرای حق (بدون تقيید نسبت به گروهی خاص مانند اتباع)، استثنای پذیري و تعلیق ناپذیری حق بر داشتن مترجم. همچنین ثبوت این حق برای افراد، ارتباطی به نتیجه فرآیندهای قضایی ندارد؛ به عبارت دیگر، در صورت رد درخواست مترجم از سوی شخص، حتی اگر حکم قضایی به نفع وی صادر گردد، باز هم حقی از حقوق بشر وی نقض شده است.

از دیگر تضامین نسبت به حق بر داشتن مترجم در منابع فقهی، مسئولیت مدنی ناشی از ترجمه نادرست است. به عبارت دیگر اصولی کلی مانند «لاضرر» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹ ق، ج ۱، ۲۰۰) یا وجوب تدارک کامل اضرار و احترام و تضمین حق در فقه، ایجاب می‌نماید که چنانچه در صورت نقض حق بر داشتن مترجم، ضرری به شخص وارد آید، بایستی آن ضرر جبران شود؛ مشروط بر آنکه، ضرر و زیان، مسلم، مستقیم و جبران ناشده باشد و رابطه علیت میان اشتباه مترجم و زیان حاصله نیز احراز گردد. همچنین، این مسئولیت گاهی مسئولیت قراردادی (در صورت وجود قرارداد میان مترجم و یکی از خصوم) و در برخی حالات مسئولیت قهری است.

البته در خصوص مسئولیت قراردادی مترجم این نکته قابل ذکر است که با توجه به جدید بودن قراردادهای ترجمه قضایی، برخی از حقوقدانان کشورهای اسلامی در تحلیل فقهی قراردادهای ترجمه، اعمالی ادبی و عقلی مانند ترجمه را به عنوان موضوع الزام تعهدآور قراردادی نپذیرفته‌اند و بنابراین مسئولیت قراردادی مترجم را منتفی دانسته‌اند (سوادی، ۱۹۹۹، ۱۲۳؛ شلیبی، ۱۹۸۸، ۹۸). برخی دیگر آن را ذیل عقد فقهی اجاره اشخاص تحلیل نموده (جلال، ۲۰۱۷، ج ۲، ۳۷۱) و دسته سوم آن را از قبیل عقود غیرمعین شرعی دانسته‌اند؛ چه آنکه نوعی استقلال فنی و اداری در آن وجود داشته که آن را از عقود معین متمایز می‌سازد و از سویی، «اصل توقیفی نبودن عقود» (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱، ۶۴۵؛ کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ۲۹۸) نیز این تحلیل را تقویت می‌نماید. ولی به هر روی، در خصوص مسئولیت قراردادی مترجم، سنخ تعهد مترجم از قبیل «تعهد به وسیله» و بکارگیری امکانات و مهارتها و اصول حرفه‌ای در زمینه ترجمه است (العمری، ۲۰۲۰، ۵۰) و در صورت اثبات اهمال مترجم از سوی خواهان ترجمه، مسئولیت مترجم محقق خواهد شد.

چنانچه ترجمه به دعوت دادگاه باشد، در این صورت هیچگونه رابطه عقدی میان خصوم و مترجم نخواهد بود و مترجم از قبیل کارکنان قضایی و دستیاران قاضی است که به قاضی در ترجمه لغات و اشارات به منظور وصول به حکم صحیح در پرونده مطرح شده یاری می‌رساند (لیلئ، ۱۹۷۰، ۶۵۹) و به دلیل رفتار حاکمیتی نبایستی در قبال خطا در ترجمه مسئولیت مدنی شخصی داشته باشد و ضمان بر عهده بیت‌المال خواهد بود.

نتیجه

بر مبنای آنچه در مقاله بیان شد، حق بر داشتن مترجم از اصول رویه‌ای و حق‌های اساسی در فرآیند دادرسی عادلانه برای اقلیت‌های زبان، بیگانگان و افراد دارای معلولیت به شمار می‌رود که در اسناد مختلف حقوق بشری بدان تصریح شده است. اما رویکرد فقه به تضمین این حق در کنار نقصان نظام حقوقی ایران، لزوم پردازش تحلیلی به مواضع فقه امامیه را ضروری می‌سازد؛ از جمله تضمینات این حق، در کنار تضامین اجرایی مانند: استثنای پذیري و تعلیق‌گریزی این حق، فوریت در آن و نقض حکم مستظهر به ترجمه نادرست، تضمین کیفری است. در بررسی‌های فقهی نیز دوگانه‌های متعددی در کیفردهی مترجم اثرگذار است؛ از جمله حالت عمد و خطای مترجم، تاثیرگذاری

ترجمه در صدور حکم و یا بی‌تاثیری آن، ترجمه اشارات معلولان و ترجمه لغات بیگانه و اسناد. توجه به مسئولیت انتظامی در کنار مسئولیت اخلاقی و کیفری و نیز تفکیک مسئولیت کیفری «مترجم معرفی شده از سوی اطراف دعوا» و «مترجم رسمی دادگستری» نیز امری مهم و ضروری است. تخلف از آیین حرفه‌ای ترجمه، نیز افزون بر آنکه به عنوان امری محل فرآیند قضا شناخته می‌شود و نیازمند شناسایی مسئولیت کیفری است؛ بایستی دربردارنده مسئولیت انتظامی برای مترجم نیز باشد (همانند تعلیق از سمت مترجمی رسمی در صورت اشتغال به مشاغل خلاف شئون مترجمی، مقرر در ماده ۵۲ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم).

در این میان، فقه اسلامی، ترجمه را در کشاکش ماهیتی از دو نظریه عمده «اخبار و روایت» و «شهادت» (با وجود برخی دیدگاه‌های دیگر) می‌داند. نظریه نخست به ادله حجیت خبر واحد و تمسک به عام در شبهه استناد می‌کند ولی نظریه دوم، کارکرد ترجمه و معنای لغوی شهادت و اخبار وارد را مدنظر قرار می‌دهد. در نهایت به نظر می‌رسد بتوان با توجه به موضوع ترجمه از حیث عموم یا اختصاص به قضیه‌ای مشخص، و نیز «توقف صدور حکم بر ترجمه و یا فقدان چنین ارتباطی» و نیز مرجعیت عرف بتوان ماهیت ترجمه را مشخص نمود. بنابراین رویکرد نظام حقوقی ایران که تنها از جهت تخلف مترجم از اصول حرفه‌ای، مجازات انضباطی مقرر کرده، کافی به نظر نمی‌رسد و از سویی یکسان‌نگاری همه «ماهیت‌های» ترجمه نیز نسبت مطلوبی با تحلیل‌های فقهی این نوشته نخواهد داشت. به هر روی با توجه به «مناط‌ها» و «وجه جمع‌ها»ی بیان شده در این مقاله، بایستی به تنظیم مجازات مترجمان توجه نمود. البته تضمینات فقهی تنها مجازات نبوده و می‌توان به نقض حکم براساس ترجمه نادرست و نیز مسئولیت مدنی مترجم و نیز مسئولیت بیت‌المال نسبت به مترجم غیرمقصر و تعیین شده از سوی قاضی نیز اشاره کرد.

یادداشت‌ها

۱. نسبت به راهبردهای نظام‌های حقوقی و فقهی دیگر لازم به ذکر است که: در نظام حقوقی ایالات متحده در صورتی که مترجم یا ترجمه نادرست تاثیری در دادرسی داشته باشد، از حیث کیفری، عنوان مسؤل مستقل کیفری خواهد داشت و بسته به مورد، به مجازات‌های مختلفی از جمله مجازات جعل سند محکوم می‌شود. به عنوان مثال، در دعوی ایالت متحده آمریکا علیه رامریز (Ramriez) که وی توسط شرکتی استخدام شده بود. ایشان در روند استخدام شرکت کمک کرده بود تا بیگانگان غیرقانونی فرم شرایط استخدام را پر کنند. رامریز به ترجمه فرم‌ها و سایر مدارک مرتبط به استخدام کمک کرده بود. او شخصاً عبارت ذیل فرم‌ها را که بیان می‌داشت: «من گواهی می‌دهم که با آگاهی از مجازات شهادت دروغ، اقدام به تکمیل این فرم‌ها کرده‌ام و با آگاهی کامل درستی و صحت این اطلاعات را تأیید می‌کنم» ترجمه کرده بود. خانم رامریز متهم به همکاری آگاهانه با کارکنان بالقوه در فراهم کردن اسناد جعلی برای استخدام شد. او در دادگاه چنین استدلال کرد که نمی‌دانسته اسناد جعلی بوده و این اسناد را برای بیگانگان غیرقانونی فراهم کرده است و همچنین، این قرارداد محدود به صدور گواهی‌نامه است که او اطلاعات دقیق آن را در فرم‌ها ترجمه کرده است. خانم رامریز به تقلب در صدور گواهی‌نامه و شهادت دروغ محکوم شد. هیئت منصفه به این نتیجه رسید که خانم مترجم به دلیل کمک در ارائه گواهی‌نامه جعلی در فرم‌ها مسؤل است (U. S. V. Ramriez, 2001: WL 488654 (6cir, Feb.14, 20n)). در برخی کشورهای دیگر مانند ایتالیا، گرچه حتی شرایط حداقلی و ضروری برای پذیرش مترجمان در دادگاه‌ها و نیز مسئولیت کیفری مترجم مورد توجه قانونگذار قانون دادرسی کیفری ۱۹۸۸ (The 1988 Code of Criminal Procedure) نبوده است (Niska, 1995, 294)؛ ولی در رویه، دادگاه‌های این کشور، ترجمه را به دلیل وجه کارشناسی آن، مشمول مسئولیت کیفری کارشناس (Expert witnesses) می‌دانند (برای مطالعه دلایل این همسان‌نگاری؛ رک به: Sau, 2010, 24-27; Longhi, 2004, 3 and Curtotti Nappi, 2002, 279-291)

در نظام فقهی عامه، در خصوص مسئولیت کیفری مترجم، این وضعیت را به ضامن بودن طبیب جاهل به قواعد طب، یا طبیب عالم که تفریط نموده، قیاس نموده است. اما در جایی که طبیب (و بالتبع مترجم) حاذق بوده ولی تفریط و تعدی نکرده باشد، بر پایه قیاس به خطای طبیب و حجامت‌کننده‌ی حاذق غیرمتعدی و غیرمفطر، بر این مترجم ضمانی نخواهد بود (واصل، ۱۴۳۹، ۷۴۹). در برخی کشورهای اسلامی مانند مصر، ترجمه از حیث جایگاه کیفری، حکم کارشناسی را دارد (مراد، بی‌تا، ۳۰۳)؛ ولی در نظام حقوقی اردن بنا بر ماده ۲۱۹ قانون العقوبات (رقم ۱۶) (مصوب ۱۹۶۰) در صورتی که مترجم از روی عمد، در پرونده‌ای حقوقی یا

کیفری، ترجمه‌ای نادرست ارائه دهد، مسئولیت کیفری کارشناس (ماده ۲۱۸ همین قانون) بر او بار می‌شود. بنابر این ماده اگر که دادگاه، کارشناسی را در پرونده‌ای تعیین کند و جرم پیدا کند که کارشناس با وجود اطلاع از حقیقت، به عمد، حقیقت را وارونه جلوه داده و یا از آن تاویلی نادرست ارائه کرده است، مترجم را به حبس از سه ماه تا ۳ سال محکوم و به طور کلی، وی را از کارشناسی در پرونده‌های بعد محروم می‌کند. همچنین در صورتی که پرونده مورد نظر از پرونده‌های کیفری باشد، به محکومیت‌های سخت و موقت محکوم می‌شود. نظام حقوقی اردن، با اینکه از حیث مسئولیت کیفری، مترجم را به کارشناسان و اهل خبره ملحق کرده، ولی در خصوص موارد معافیت از مسئولیت کیفری، بنابر ماده ۲۲۰، ترجمه را در حکم شهادت زور (ماده ۲۱۶) دانسته است.

Hohfeld^{۱۱۱}

^{۱۱۱}. مراد از حق در معنای آزادی آن است که نظام حقوقی برای افراد امتیازهایی قائل می‌شود و بهره مندی از آن امتیازها لزوماً تکلیف فرد سوم را در پی ندارد مانند حق انتخاب شغل یا شرکت در انتخابات (Rainbolt, 2006: 8). حق در معنای قدرت به معنای قدرت و توانایی انجام کاری است مانند حق مدعی بر اقامه دعوا یا حق انسان برای وصیت کردن. مراد از حق در معنای مصونیت نیز به منای حمایت جلوگیری از اعمال قدرت دیگران نسبت به صاحب حق است؛ نظیر حق پیوستن کارگر به اتحادیه‌های کارگری یا حق انسان نسبت به حیثیت و حرمت خود (Waldron, 1984: 16).

^{۱۱۲}. در زبان‌های دیگر، معنای بیشتری برای ترجمه ذکر شده است؛ از جمله آنکه، حتمیت و ماندی، ترجمه را به عنوان "فرآیند انتقال یک متن نوشته شده از زبان مبدأ (SL) به زبان مقصد (TL)" تعریف می‌کنند. (Hatim&Munday, 2004, 6). البته اینان به صراحت بیان نمی‌کنند که شیء انتقال شده معنی یا پیام است. تاکید آنها بر ترجمه به عنوان یک فرآیند است. دیگران بر این باورند که ترجمه شامل تولید مثل در زبان گیرنده در قالب نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام منبع است و اینکه ترجمه به طور دقیق به اشکال زبان‌ها، معانی و همبستگی آنها مربوط است (Nida, Taber, 1982, 6).

^{۱۱۳}. ترجمه: «منشأ ایمان دو شهادت است. خداوند در اذان دو شهادتین قرار داد؛ همچنان که برای همه حقوق دو گواه قرار داد».

^{۱۱۴}. در نظر فقها، مفهوم ترجمه تاثیر مهمی در شناسایی ماهیت فقهی آن دارد؛ از جمله محقق آشتیانی بنابر اینکه ترجمه به «اخبار از ثبوت امری که در مظان انکار باشد» معنا شود، ماهیت ترجمه را بدون تردید از قبیل شهادت می‌داند (آشتیانی، ۱۳۶۹: ۶۰).

^{۱۱۵}. اللجنة المعنية بحقوق الانسان التعلیق العام رقم ۳۲ من (2007) CCPR، الفقرة ۴۰.

^{۱۱۶}. پس از پلید حقیقی یعنی بنها اجتناب کنید و نیز از قول باطل (مانند دروغ و شهادت ناحق و سخنان لهو و غنا) دوری گزینید.

^{۱۱۷}. و آنان هستند که به ناحق شهادت ندهند و هرگاه به عمل لغوی (از مردم غافل) بگذرند بزرگوارانه از آن درگذرند.

^{۱۱۸}. از برخی آثار فقهی می‌توان این تفصیل را استظهار کرد: از جمله اثر فقه‌الصادق که در خصوص ترجمه جواب معلولان، صراحتاً مترجم واحد را غیر معتبر می‌داند ولی در خصوص زبان اجنبی، به بیان مترجم واحد کفایت می‌کند (روحانی، ۱۴۱۲، ۲۵، ۱۶۵).

^{۱۱۹}. در این خصوص صاحب جواهر می‌نویسد: «إذا ثبت أنهم شهدوا بالزور وعلم الحاكم بذلك ولو بالخير المفيد له لا بالبينه لأنه تعارض ولا بالإقرار لأنه رجوع (نقض الحكم) لتبين اختلال ميزان الحكم، بل هو أولى بذلك من تبين الفسق»

فهرست منابع

۱. ابن قدامه، عبدالرحمن (۱۴۰۳). المغنی مع الشرح الكبير. لبنان، دارالكتاب
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بيروت، دارالفكر للطباعة
۳. آشتیانی، محمد حسن (۱۳۶۹). كتاب القضاء. تهران، رنگین.
۴. آل كاشف الغطاء، محمد حسين (۱۳۵۹). تحرير المجلة. نجف اشرف، المكتبة المرتضوية.
۵. البستاني، بطرس (بی‌تا). محيط المحيط. لبنان، بی‌تا.
۶. پیری، حیدر (۱۴۰۲). «تأثیر تنوع زبانی و حق بر ترجمه در تحقق دادرسی عادلانه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۰، شماره ۲۵، ۱۲۶-۹۳.
۷. جلال، ناصر و آخرون (۲۰۱۷). «مسئولية المترجم المدنية عن اخطائه المهنية». مجلة جامعة تكريت للحقوق، مجلد ۲، العدد ۲.
۸. جمل، سلیمان (بی‌تا). حاشية الجمل على المنهج. بيروت، دار الفكر.
۹. جوهری، إسماعيل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح. بيروت، دارالعلم.

١٠. حجاوى الصالحى، موسى (١٤١٨). كشاف القناع. لبنان، دارالكتب العلمية.
١١. حرعاملى، محمدين حسن (١٤٠٩). وسائل الشيعة. قم، مؤسسه آل البيت
١٢. حلى (علامه)، حسن بن يوسف (١٤١١). تبصرة المتعلمين. تهران، وزارت فرهنگ.
١٣. حلى (علامه)، حسن بن يوسف (١٤١٣). قواعد الاحكام، قم، النشر الاسلامى.
١٤. دردير، احمد بن محمد (بى تا). الشرح الكبير. بيروت، دار احياء الكتب
١٥. دسوقى، محمد (١٤٢٣). حاشية على الشرح الكبير. بيروت، دارالفكر.
١٦. رازى، ابوالفتوح حسين بن على (١٤٠٨). روض الجنان و روح الجنان. مشهد، آستان قدس.
١٧. راغب اصفهانى، حسين (١٤١٦). مفردات الفاظ القرآن. بيروت، دارالشام.
١٨. روحانى، سيد صادق (١٤١٢). فقه الصادق ٧. قم، دارالكتاب.
١٩. زرکشى، شمس الدين (١٤٢٣). شرح على مختصر الخرقى. بيروت، دار الكتب.
20. سبزوارى، محمد باقر (١٤٢٣). كفاية الاحكام. قم، انتشارات جامعه مدرسين.
21. سوادى، عبدالباقى (١٩٩٩). مسئولية المحامى المدنية عن اخطائه المهنية. عمان، دار الثقافة للنشر و التوزيع.
22. شلبى، محمد توفيق (١٩٨٨). مسئولية المحامى المهنية، مدنيا و جنائيا. اسكندرية، المكتب المصرى الحديث للطباعة، اسكندرية.
٢٣. شهيدثانى، زين الدين بن على (١٤١٣). مسالك الافهام. قم، مؤسسه المعارف .
٢٤. صابر، محمود (١٣٨٨). آيين دادرسي كيفرى بين المللى. تهران، دادگستر.
٢٥. سعدى، محمد بن يحيى (١٤٢٢). المهدي لدين الله. بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٦. طبرسى، فضل بن حسن (١٤١٥). مجمع البيان. بيروت، مؤسسه اعلمى.
٢٧. طه، فريده و ديگران (١٣٨٦). دادرسي عادلانه. تهران، نشر ميزان.
٢٨. طوسى، محمد بن حسن (١٤٠٧). الخلاف. قم، دفتر انتشارات اسلامى.
٢٩. طوسى، محمد بن حسن (١٣٨٧). المبسوط. تهران، مكتبة المرتضوية.
٣٠. عراقى، آقا ضياء الدين (١٤٢١). كتاب القضاء. قم، مؤسسه معارف امام رضا
٣١. عليش، محمدين احمد (١٤٠٩). منح الجليل. بيروت، دار الفكر.
32. العمرى، نور خالد (٢٠٢٠). المسئولية المدنية للمترجم القانوني في القانون الاردني. الاردن، جامعة عمان الأهلية.
٣٣. فاضل هندی، محمد بن حسن (١٤١٦). كشف اللثام، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
٣٤. قارى، على بن سلطان محمد (١٤٢٢). مرقاة المفاتيح. بيروت، دار الفكر
٣٥. گلپايگانى، سيد محمدرضا (١٤٠٥). كتاب الشهادات. قم، مؤسسه اهل البيت (ع)
٣٦. گلپايگانى، سيد محمدرضا (١٤١٣). كتاب القضاء. قم، دارالقرآن الكريم.
37. ليلة، محمد كامل (١٩٧٠). الرقابة على اعمال الإدارة (الرقابة القضائية). بيروت، دار النهضة العربية
38. الماوردي، أبو الحسن علي (١٤١٩). الحاوي الكبير في فقه مذهب الإمام الشافعي. بيروت، دار الكتب العلمية.
٣٩. مراد، عبدالفتاح (بى تا). التحقيق الجنائى التطبيقى. مصر، مؤلف.
٤٠. مصطفى، حسن (١٤٠٢). التحقيق فى كلمات القرآن الكريم. تهران، مركز ترجمه.
٤١. مكى المالكى، محمدعلى بن حسين (بى تا). فقه المالكى. بيروت، دارالكتب
42. موسوى جنوردى، سيد حسن (١٣٨٩ق). القواعد الفقهية. تهران، چاپ افسست.
٤٣. موسوى اردبيلى، سيد عبدالكريم (١٤٢٣). فقه القضاء. قم، دانشگاه مفيد.
٤٤. مومن قمى، محمد (١٤٢٢). مبانى تحرير الوسيلة (القضاء و الشهادات). تهران، نشر آثار امام خمينى (ره).
٤٥. مومن سبزوارى، على (١٤٢١). جامع الخلاف و الوفاق. قم، زمينه سازان ظهور

٤٦. نجفی، محمد حسن (١٤٠٤). جواهر الكلام. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 ٤٧. نراقی، احمد (١٤١٧). عوائد الأيام. قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 ٤٨. واصل، محمد بن احمد، (١٤٣٩). احکام الترجمة فی الفقه الاسلامی. دارطیبة.

49. Bryan A. Garner .(2004). Black's Law Dictionary, Thomson West.
 50. Hatim dan Munday. (2004). Translation, An Advanced Resource Book, London: Routledge.
 51. Newmark .(1988). A Textbook of Translation, Hertfordshire: Prentice Hall International.
 52. Nida, Eugene A and Charles R. Taber. (1982). The Theory and Practice of Translation, Leiden: E.J. Brill.
 53. Rainbolt .G. (2006). The Concepts of Rights, Springer.
 54. Simmon .J . (1994). The Lockean Theory of Rights. Princeton University Press.
 55. Waldron, J (1984). Theories of Rights, Oxford University Press.
 56. Niska H. (1995). "Just interpreting: role conflicts and discourse types", in M. Morris (ed.), Translation and the Law, Amsterdam/Philadelphia, John Benjamins, 293-316.
 57. Sau S. (2010). Le garanzie linguistiche nel processo penale, Diritto dell'interprete e tutela delle minoranze riconosciute, Padova, Cedam.
 58. Longhi A. (2004). "L'interprete nel processo penale italiano: perito, consulente tecnico o professionista virtuale?", <http://www.intralinea.it/volumes/eng_more.php?id=350_0_2_0_M44%> (accessed 1 March 2009).
 59. Curtotti Nappi D. (2002). Il problema delle lingue nel processo penale, Milano, Giuffrè.
 60. Eur. Court. H.R (28 November 1987), Luedicke, Belkacem and koc v. Germany, A.29, & 46.
 61. Eur. Court. H.R (19 December 1989), Kamasinski v. Austria, A. 168 & 74.

سایت های اینترنتی:

- 1.The Right to an Interpreter for Criminal Defendants with Limited English, JURIST – Dateline"(2012), Iryna Dasevich, 2.<http://jurist.org/dateline/2012/04/iryna-dasevich-criminal-interpreters.php>
 3."The Internet Encyclopedia of Philosophy (Human Rights)", <http://www.iep.utm.edu/h/hum.rts.htm>

References

1. Alish, Muhammad ibn Ahmad (1987). Manh al-Jalil. Beirut, Dar al-Fikr. (In Arabic)
2. Al-Mawardi, Abu al-Hasan Ali (1999). Al-Havi Al-Kabir. Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (In Arabic)
3. Al-Kashif al-Ghita, Mohammad Hossein (1940). Tahrir Al-majallah. Najaf Ashraf. (In Arabic)
4. Al-Omari, Noor Khalid (2020). The civil responsibility of the legal translator in the Jordanian law. Jordan, Amman Al Ahlia University. (In Arabic)
5. Ashtiani, Muhammad Hasan (1990). Kitab Al-qaza. Tehran, Rangin. (In Arabic)
6. Bustani, Butrus. Muhit al-Muhit. Lebanon. (In Arabic)
7. Dardir, Ahmed ibn Muhammad. Al-Sharh Al-Kabir. Beirut, Dar Ihya Al-Kutub (In

-
- Arabic)
8. Desouki, Muhammad (2003). Hashyia Ala Al-Sharh Al-kabir. Beirut, Dar Al-Fikr. (In Arabic)
 9. Fazel Hindi, Muhammad ibn Hasan (1997). Kashf al-Litham, Qom, Islamic Publications Office. (In Arabic)
 10. Golpayegani, Seyyed Mohammad Reza (1984). Kitab Al-Shahadat. Qom, Ahl ul-bayt Foundation(In Arabic)
 11. Golpaygani, Seyyed Mohammad Reza (1992). Kitab Al-Qaza. Qom, Darul Quran. (In Arabic)
 12. Hajawi al-Salihi, Musa (1997). Kashf al-Qina'. Lebanon, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (In Arabic)
 13. Hilli (Allama), Hassan ibn Yusuf (1991). Tabsirah Al-Mutaallemin. Tehran: Ministry of Culture and Guidance. (In Arabic)
 14. Hilli (Allama), Hassan ibn Yusuf (1992). Qavaid Al-Ahkam, Qom, Islamic Publishing. (In Arabic)
 15. Hur Ameli, Muhammad ibn Hasan (1988). Wasa'il al-Shi'a. Qom, the founder of Al Al-Bayt (In Arabic)
 16. Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1993). Lisan al-Arab. Beirut, Dar al-Fikr (In Arabic)
 17. Ibn Qudamah, Abd al-Rahman (1982). Al-Mughni. Lebanon, Dar al-Kitab (In Arabic)
 18. Iraqi, Agha Zia al-Din (2000). Kitab Al-Qaza. Qom, Imam Reza Education Foundation(In Arabic)
 19. Jalal, Nasser and Akhroon (2017). "The responsibility of the civil translator for his civil mistakes". Journal of Tikrit Law Society, Volume 2, Number 2. (In Persian).
 20. Jamal, Sulayman. Hashyat Al-Jomal ala Al-manhaj. Beirut, Dar al-Fikr. (In Arabic)
 21. Jawhari, Ismail ibn Hammad (1986). Al-Sahah. Beirut, Dar al-Ilm. (In Arabic)
 22. Laila, Mohammad Kamel (1970). Control over administrative actions (judicial control). Beirut, Dar al-Nahda al-Arabiya. (In Arabic)
 23. Makki al-Maliki, Mohammad Ali ibn Hussein (1992). Fighh Al-Maliki. Beirut, Darul Kotob(In Arabic)
 24. Momen Qomi, Mohammad (2001). Mabani Tahrir al-Wasilah. Tehran, Publication of Imam Khomeini's Works. (In Arabic)
 25. Momen Sabzavari, Ali (2000). Jami' al-Khilaf wa al-Wifaq. Qom, Zamineh Sazan Zuhoor. (In Arabic)
 26. Mostafavi, Hassan (1981). Al-Tahqiq. Tehran, Translation Center. (In Arabic)
 27. Mousavi Ardebili, Seyyed Abdul Karim (2002). Fighh Al-Qaza. Qom, Mufid University. (In Arabic)
 28. Mousavi Bojnouardi, Seyyed Hassan (1969). Al-qavaed Al-fighhyiah. Tehran, offset printing. (In Arabic)
 29. Murad, Abdul Fattah (1992). Criminal investigation, Comparative study, Egypt, Al-Moallef (In Arabic)
 30. Najafi, Mohammad Hasan (1983). Jawahir al-Kalam. Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
 31. Naraq, Ahmad (1996). Awa'id al-Ayyam. Qom, Daftar Tablighat Islami. (In Arabic)
 32. Qari, Ali ibn Sultan Muhammad (2001). Marqat al-Mafatih. Beirut, Dar al-Fikr(In Arabic)
 33. Piri, Haider (1402). "The effect of language diversity and the right to translation in the realization of a fair trial in international criminal proceedings", Criminal Law Doctrines, Volume 20, Number 25, 93-126. (In Persian).
 34. Ragheb Isfahani, Hussein (1995).Mofradat Alfaz Al-Quran. Beirut, Dar Al-Sham.

-
- (In Arabic)
35. Razi, Abu Al-Futuh Hussein ibn Ali (1988). Rouz Al-Janan Va Rouh Al-Janan. Mashhad, Astan Quds. (In Arabic)
 36. Rouhani, Sayyid Sadiq (1991). Fighh Al-Sadiq. Qom, Dar Al-Kitab. (In Arabic)
 37. Saadi, Muhammad ibn Yahya (2001). Al-Mahdi Le-Din Allah. Beirut, Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah. (In Arabic)
 38. Saber, Mahmoud (2009). Is there a way to protect the mullahs? Tehran, Dadgster. (In Persian)
 39. Sabzevari, Mohammad Baqir (2002). Kefayah Al-alhakam. Qom, Modaresin Society Publications. (In Arabic)
 40. Sawadi, Abdul Baqi (1999). The responsibility of the civil lawyer for his civil mistakes. Amman, Dar al-Taqa for publication and distribution. (In Arabic)
 41. Shelbi, Mohammad Tawfiq (1988). Responsibility of professional, civil and criminal lawyers. Alexandria. (In Arabic)
 42. Tabarsi, Fadl ibn Hassan (1994). Al-Bayan Complex. Beirut, Aalami Foundation. (In Arabic)
 43. Taha, Farida and Dijran (2007). Fair Trial. Tehran, Mizan Publishing. (In Persian)
 44. Tusi, Muhammad ibn Hasan (1986). Al-Khilaf. Qom, Islamic Publications Office. (In Arabic)
 45. Tusi, Muhammad ibn Hasan (2007). Al-Mabsut. Tehran, Mortadaviyya Library. (In Arabic)
 46. Wasil, Mohammad ibn Ahmad, (2017). Ahkam al-Tarjomah fi al-Fiqh al-Islami. Dar Tayyiba. (In Arabic)
 47. Zain al-Din Ben Ali (1992). Masalik Al-Afham. Qom, Knowledge Foundation. (In Arabic)
 48. Zarkashi, Shams al-Din (2002). Sharh Ala Mukhtasar Al-Kharqi. Beirut, Dar Al-Kutub. (In Arabic)